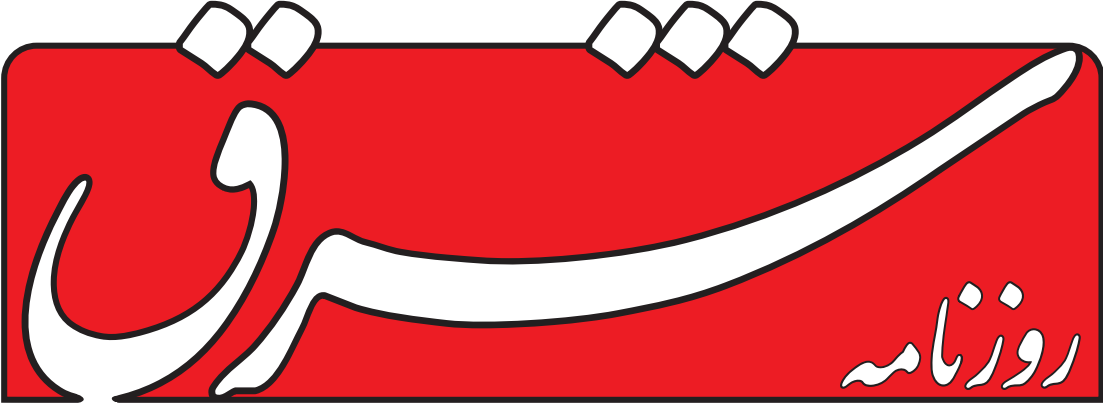


کاخ سفید می‌گوید در صورت اثبات اتهامات هانتز بایدن، او را عفو نخواهد کرد

پیامدهای اتهامات کیفری بایدن و ترامپ

کاخ سفید می‌گوید جو بایدن، رئیس‌جمهور آمریکا، در صورت محکوم‌شدن پسرش هانتز بایدن به اتهامات کیفری که در هفته گذشته علیه او مطرح شده، او را عفو نخواهد کرد.

صفحه ۵



دوشنبه ۲۷ شهریور ۱۴۰۲ • ۲ ربیع‌الاول ۱۴۴۵ • ۱۸ سپتامبر ۲۰۲۳ • سال بیست‌ویکم • شماره ۴۶۵۰ • صفحه ۱۲ • ۱۵۰۰۰ تومان

در «شرق» امروز می‌خوانید: تأملی بر «لایحه حمایت از خانواده از طریق ترویج فرهنگ عفاف و حجاب»، کمک‌های کم‌سابقه بین‌المللی به لیبی، «کاروانسراهای ایران» ثبت جهانی شد و **یادداشت‌هایی از** بابک زمانی، حامد خانجانی

سرمقاله

چالش‌های غرب با گسترش بریکس



اردوان امیراصلانی

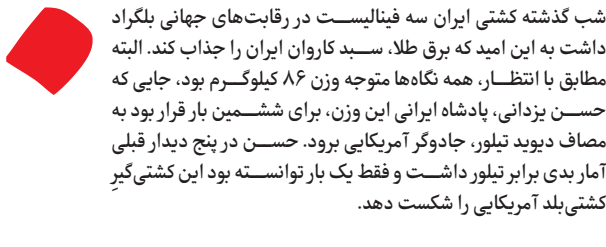
الحاق ششش کشور جدید به گروه بریکس که در آخرین اجلاس سران آن در ژوهانسبورگ اعلام شد، برای بسیاری از تحلیلگران به منزله ظهور یک نظم جهانی نوین بود که در آن ایالات متحده دیگر تنها قدرت مسلط نخواهد بود. مسلما اعضای مؤسس با دعوت از آرژانتین، مصر، اتیوپی، ایران، عربستان سعودی و امارات متحده عربی راه را برای بزرگ‌ترین گسترش سازمان خود از بدو تأسیس در سال ۲۰۰۹ هموار کردند. تحولات استراتژیک عمیق و بازتعریف اتحادها در سه سال گذشته در جریان بوده است. چین و روسیه به ایجاد یک جایگزین سیاسی و اقتصادی برای چندجانبه‌گرایی ایجادشده پس از سال ۱۹۴۵ تمایل دارند. گسترش بریکس که اعضای آن تقریبا یک‌چهارم تولید ناخالص داخلی جهان را در اختیار دارند، گواه ظهور «جنبش کشورهای غیرمتعهد» جدید و بلوک واقعی قدرت‌های بانفوذ قادر به رقابت با غرب است؛ اما پویایی درونی سازمان و پیامدهای آن را نباید نادیده گرفت. در واقع، چندین نقض ساختاری بر سازمان تأثیر می‌گذارد؛ ازجمله عدم انسجام آشکار و تنش‌های ژئوپلیتیکی بین چندین کشور عضو که قبل از ورود آنها به بریکس وجود داشته است و بیوستن آنها بدون شک هیچ کمکی به کاهش آن نخواهد کرد. این مورد بین دو عضو مؤسس یعنی چین و هند صادق است که هنوز با اختلافات عمیق مرزی در هیمالیا دست‌وپنجه نرم می‌کنند. اعضای جدید نیز درگیری‌های بالقوه دیگری را با خود به همراه آورده‌اند. مصر و اتیوپی در تعارض بر سر پیامدهای سد رنسانس بر جریان رود نیل و ایران و عربستان سعودی که مطمئنا روابط دیپلماتیک خود را از طریق توافق ایران و عربستان احیا کرده‌اند اما هنوز با غلبه بر رقابت منطقه‌ای خود فاصله دارند. بنابراین به نظر می‌رسد که ساختار گروهی از قدرت‌ها در یک موجودیت سیاسی قوی با این‌همه اختلافات داخلی و تفاوت‌های عمیق بنیادی، سیاسی یا اقتصادی دشوار است. احتمالا نقطه مشترک اصلی بین بریکس و جنبش غیرمتعهدها، فقدان اثربخشی استراتژیک است.

چین به‌عنوان قدرت بزرگ سودبرنده از این توسعه، عمدتا از آن به‌عنوان ویترینی برای ارائه پروژه‌های ژئواستراتژیک خود مانند جاده ابریشم جدید بهره خواهد برد؛ اما تبدیل بریکس به ابزار اصلی نفوذ برای چین دشوار خواهد بود. در واقع، اکثر اعضای این گروه ازجمله تازه‌واردان، متحدان تاریخی ایالات متحده هستند. این موضوع به‌وضوح درباره عربستان سعودی، امارات و مصر صدق می‌کند که درگیر اختلاف‌های امنیتی با واشنگتن هستند. مسلما وعده‌های چین به این کشورها برای گسست اتحادشان با آمریکا کافی نیست. هند به‌عنوان یکی از اعضای بریکس، عضو دو سازمان امنیتی است که از سوی ایالات متحده تأسیس شده‌اند. در همین راستا شاهد مذاکرات چهارجانبه امنیتی در کنار استرالیا و ژاپن و اتحادیه I2U2 با حضور امارات و اسرائیل هستیم.

هند از ایفای نقش خود در جریان اجلاس ژوهانسبورگ دریغ نکرد و نخست‌وزیر نارندرا مودی از دیگر کشورها درخواست کرد تا «زنجیره‌های تأمین و انعطاف‌پذیری فراگیر» را توسعه دهند. این دعوت به منزله کاهش وابستگی اقتصادی به چین تلقی می‌شود. در صورتی‌که جهت‌گیری ضد غرب مدنظر چین و روسیه بتواند بریکس را در موقعیت حساسی در برابر غرب قرار دهد، گسترش سازمان به هند اجازه می‌دهد تا مشتریان خود را در خاورمیانه افزایش دهد. درحال‌حاضر هند به دلایل ژئوپلیتیکی و انرژی به دنبال توسعه نفوذ خود در خاورمیانه است و روابط خوبی با سه قدرت عربی مصر، عربستان سعودی، امارات و همچنین ایران برقرار کرده است.

فراتر از اتحاد کشورهایایی که منافع مشترکی از جمله ترویج نظم جهانی جدید در رقابت با مدل غربی را دنبال می‌کنند، بریکس می‌تواند نتیجه معکوس نیز داشته باشد، به این ترتیب که منجر به عرصه جدیدی از درگیری‌ها بین کشورهای بشود که برای توسعه نفوذ خود در صحنه جهانی و به‌ویژه در نیمکره جنوبی در حال رقابت هستند. چین در تحقق این جاه‌طلبی به‌ویژه در آفریقا چندین سال از بقیه جلوتر است. چین و روسیه، غالبا به اتفاق یکدیگر، بیشتر قرن را نشان می‌دهند.

به دور از تجسم یک تهدید واقعی، این گروه امکان مشاهده رقابت بین کشورهای عضو را به غربی‌ها می‌دهد تا بتوانند بیشترین بهره را از آن ببرند. با این حال، گسترش بریکس باید به‌عنوان یک هشدار عمل کند. سرنگونی کامل نظم غربی دشوار است. چین و روسیه، غالبا به اتفاق یکدیگر، بیشتر قرن بیستم را صرف تلاش برای انجام این کار کرده‌اند؛ ولی هیچ‌گاه به هدف مدنظر نرسیدند. در واقع، اقتصادهای «در حال ظهور» در تعریف توازن استراتژیک ضروری هستند؛ بنابراین غرب باید با قدرت‌هایی که برای مدت طولانی مورد غفلت قرار گرفته‌اند، رابطه برقرار کند؛ در غیراین‌صورت برای همیشه تحت نفوذ چین و روسیه قرار خواهد گرفت.



با این حال مسئولان فدراسیون کشتی ایران با مخفی‌نگه‌داشتن حسن یزدانی و کم استفاده‌کردن از او در رقابت‌های مختلف، در تلاش برای آتالیز بهتر دیوید تیلور آمریکایی بودند به این امید که این‌بار حسن بتواند پاسخ یکی از ناگامی‌های پیشین مقابل تیلور را بدهد. این‌بار ولی با تمام تمهیداتی که اندیشیده شده بود، حسن یزدانی برابر تیلور شکست خورد؛ او ضربه فنی شد تا ضمن تجربه‌کردن سقوط آزاد در وزن ۸۶ کیلوگرم، برای پنجمین‌بار هم طعم شکست برابر رقیبی را بچشد که به وضوح از او بهتر بود. البته که درست مثل ایران، آمریکا هم برای اینکه دیوید تیلور دستش به این مدال طلا برسد، حربه‌های مختلفی را به کار برد. نتیجه شد آنکه برنامه‌ریزی

یادداشت

برنامه هفتم؛ برنامه دولت یا مجلس؟



امیر تامنی

سرانجام بعد از حدود ۲۰۵ ماه فرایند بررسی لایحه پیشنهادی ۱۱۷‌ماده‌ای دولت برای برنامه هفتم توسعه در کمیسیون تلفیق مجلس شورای اسلامی به اتمام رسید و گزارشی مشتمل بر ۱۲۱ ماده ولسی با حجم احکامی حداقل دو برابر لایحه دولت منتشر و برای بررسی به صحن علنی مجلس ارجاع شد. جالب‌تر آنکه بخش قابل‌توجهی از این تغییرات نیز از فیلتر کمیسیون تلفیق که در آن نمایندگان قوه مجریه و مقننه عضو هستند، عبور نکرده و در یک جلسه با حضور هیئت رئیسه کمیسیون تلفیق و کمیته‌های موضوعی که جلگلی متشکل از نمایندگان قوه مقننه (نمایندگان مجلس، کارشناسان مرکز پژوهش‌های مجلس و دیوان محاسبات) هستند، تصویب و به گزارش نهایی کمیسیون تلفیق افزوده شده است. این تغییرات بی‌سابقه در لایحه پیشنهادی دولت در حالی اتفاق افتاده که دولت سیزدهم در نیمه راه خویش قرار داشته و از عمر مجلس یازدهم نیز کمتر از هشت ماه باقی مانده است. بی‌شک با توجه به فرهنگ مالوف برنامه‌ریزی در ایران که برنامه اساسا تنها برای مؤلف آن دارای اعتبار است، با تعویض یکی از ارکان اصلی برنامه‌ریزی (دولت و مجلس)، سلاقی، رویکردها و اولویت‌های دیگری مطرح شده

گزارشی از رویارویی بلوک غرب وشرق در بازار نفت و گاز جهان که معادلات پیچیده‌ای را رقم زده است

جنگ سرد انرژی



● عکس، فدراسیون جهانی کشتی

کشتی آمریکا، مثل ادوار قبلی، به نتیجه مطلوب‌تری رسید. دیوید تیلور قهرمان المپیک و جهان در مرحله نیمه‌نهایی، حریف قزاقستانی خود را ضربه فنی کرد و حریف یزدانی در فینال شد. یزدانی در دور مقدماتی استراحت داشت و در دور دوم برابر لاورنس، کشتی‌گیر استرالیا با نتیجه ۸ بر ۲ و ضربه فنی به پیروزی رسید. سپس موفق شد با نتیجه ۱۱ بر صفر اردن بات از مغولستان را از پیش‌رو بردارد. در مرحله یک‌چهارم نهایی نیز ناظم مایلز امینه از سن‌مارینو دارنده مدال برنز المپیک توکیو را با نتیجه ۷ بر ۲ شکست داد. یزدانی دارنده سه طلا، دو نقره و یک برنز قهرمانی جهان و یک طلا و یک نقره المپیک ولی در فینال در یک لحظه حساس و زمانی که با یک حرکت به تشخیص داور پیش افتاد اما شور داوران نتیجه را به نفع تیلور تغییر داد و شاید یکی از اصلی‌ترین دلایل افت روحی یزدانی همین تغییر تصمیم داوران بود. نکته جالب اینکه تیلور بعد از قهرمانی سال گذشته در همین بلگراد، در مسابقات بین‌المللی روی تشک نرفته بود و فقط یک بار در انتخابی تیم ملی کشتی آمریکا مبارزه کرده بود. اتفاق مهم‌تر ولی اینکه او با وجود دوری از مسابقات چنان خوب تمرین کرده بود که برای قهرمانی در این مسابقات نیازی به زمان زیاد نداشت. تیلور تا رسیدن به فینال از ۴ کشتی ۲ تا را ضربه فنی کرد و در مجموع هم کمتر از ۱۰ دقیقه، همه رقبایش تا قبل از فینال را شکست داد!

این گزارش را در صفحه ۹ خوانید

رئییسی: حق الزحمه معلمان به‌موقع پرداخت شود

رئیس جمهوری گفت: در رتبه‌بندی معلمان بیشتر به بخش معیشتی توجه شده اما این رتبه‌بندی مقدمه‌ای برای تقویت منزلت و جایگاه معلم است و اساس آن نه فقط امور معیشتی که دانش‌افزایی معلمان است.

صفحه ۳



توضیحات وزارت امورا اقتصاد درباره یک گزارش

هیئت مولدسازی حق‌الزحمه‌ای نخواهد گرفت

«شرق» نوسان مناسبات تهران-آژانس را در زمان تبادل زندانیان و آزادی‌داری‌های ایران بررسی می‌کند

روز موعود؟

شهردار تهران برای پاسخ به سوئمن پرسش به صحن شورای شهر آمد

معمای اتوبوس‌های فعال پایتخت



به بهانه زلزله مراکش و تندسیلاب لیبی

مدیریت ریسک به زبان ساده

آ آنچه گذشت…

دویدن به سمت خط آغاز!



امیر سیدین

شهریور امسال، مذاکرات هسته‌ای ایران با طرف‌های غربی ۲۰ساله شده؛ به درازای جوانی یک نسل! نسلی که کودکی‌اش زیر سایه جنگ گذشت و جوانی‌اش در تنگناهای تحریم، نسلی که در این ۲۰ سال، چشمش به دهان مذاکره‌کنندگان بود تا چشم‌اندازی از آینده خود در لایه‌ای حرف‌های گنگ دیپلمات‌ها بیاید.

خرداد سال ۱۳۸۲ بود که آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای در بیانیه‌ای از تهران خواست همه فعالیت‌های هسته‌ای خود را به حالت تعلیق درآورد و پروتکل الحاقی را بدون قید و شرط امضا کند. سه ماه بعد گزارشی که قرار بود محمد البرادعی- رئیس وقت آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای- به صورت محرمانه به شورای احکام ارائه دهد، از پیش به دست رسانه‌ها رسید و فضایی علیه فعالیت‌های هسته‌ای ایران آغاز شد که نهایتا به صدور قطع‌نامه شهریور ۸۲ (سپتامبر ۲۰۰۳) انجامید. قطع‌نامه‌ای که شاید آن را بتوان نقطه آغاز ماراتن مذاکره بین ایران و طرف‌های غربی دانست. ماراتنی که هنوز پس از گذشت دقیقا ۲۰ سال به پایان نرسیده است. مذاکرات ۲۰ساله ایران با طرف‌های غربی بر سر موضوع هسته‌ای، همواره منتقدان و مخالفانی داشته است و طنز تلخ ماجرا شاید این باشد که مخالفان مذاکره، عموما خود پس از مدتی میدان‌دار مذاکره شدند و زمین سخت مذاکره، کتف و شانه آنان را نیز خاک‌آلود کرد.

به هر روی، اولین دور مذاکرات هسته‌ای بین ایران و سه کشور آلمان، انگلیس و فرانسه صورت گرفت، در‌ست یک ماه بعد از قطع‌نامه شهریور ۱۳۸۲ و در دولت سید محمد خاتمی. مذاکراتی که آن را حسن روحانی مدیریت می‌کرد، حدود دو سال طول کشید تا به توافق سعدآباد تهران انجامید. اجرای داوطلبانه پروتکل الحاقی و آغاز بازرسی‌های گسترده‌تر آژانس، مهم‌ترین بندهای آن بود. مذاکراتی که جندی بعد علی لاریجانی در توصیف آن می‌گفت: «در غلطان دادیم و آب‌نبتان گرفتیم» و محمود احمدی‌نژاد، رئیس‌جمهور بعدی آن را این‌چنین مورد حمله شدید قرار می‌داد: «زمانی که در سعدآباد، جان بولتسون، رئیس و نم‌خواهم بگویم نتکین را امضا کردند، با خود گفتند کار ملت ایران تمام شد… آنها با امضای این توافق‌نامه جشن و پایکوبی کردند» و چندی بعد دوباره تصریح کرد: «به بهانه تنش‌زدایی قدم به قدم عقب‌نشینی کردند».

اما علی لاریجانی -و بعدتر محمود احمدی‌نژاد- تنها مخالفان سرشناس توافق‌نامه سعدآباد نبودند. این توافق یک مخالف دیگر هم داشت: جان بولتسون، رئیس وقت بخش کنترل تسلیحات و سیاست امنیتی وزارت خارجه در دولت بوش! او چنان نقشی در به شکست کشاندن توافق سعدآباد ایفا کرد که جگ استراو- وزیر خارجه وقت انگلیس و یکی از مذاکره‌کنندگان سعدآباد- درباره او نوشت: «بولتون یکی از معدود آدم‌هایی است که آرزوی می‌کردم کاش او را ندیده بودم.

ادامه در صفحه آخر

ادامه در صفحه ۸